«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان، تعلیق سیاست خارجی در دوگانه «جنگ» و «مذاکره» را واکاوی می‌کند

میان شمشیر و شاخه زیتون

مهدی بازرگان: اگرچه در هفته‌های اخیر، فضای سیاست خارجی ایران و تحولات منطقه‌ای میان دوگانه «جنگ» و «مذاکره» در نوسان بوده، اما پس از گفت‌وگوهای ژنو، این وضعیت وارد مرحله‌ای پیچیده‌تر و مبهم‌تر شده است. اکنون با موجی گسترده از روایت‌های رسانه‌ای روبه‌رو هستیم که در ظاهر، تصویری متناقض ارائه می‌دهند. از یک سو، برخی تحلیل‌ها از در دسترس بودن توافق و گشایش دیپلماتیک سخن می‌گویند و از سوی دیگر، روایت‌هایی پررنگ احتمال وقوع جنگ، حتی در افق زمانی کوتاه‌مدت را برجسته می‌کنند. این همزیستی روایت‌های متضاد، خود نشانه‌ای از سیالیت و ناپایداری شرایط کنونی است. در چنین فضایی، یافتن «خط واقعیت» در میانه این انبوه روایت‌ها کار ساده‌ای نیست. تکثر منابع خبری، اختلاف منافع بازیگران و بهره‌برداری سیاسی و رسانه‌ای از ابهام موجود، تصویری چندلایه و گاه متناقض از آینده ترسیم کرده است. به همین دلیل، هرگونه قضاوت قطعی درباره مسیر پیش‌رو، خواه به سوی توافق و خواه به سوی تقابل، با ریسک خطای جدی همراه است.

واقعیت آن است که نه نشانه‌های دیپلماتیکِ برخاسته از مذاکرات ژنو را می‌توان به‌تنهایی تضمین‌کننده توافق دانست و نه افزایش تنش‌ها را الزاما مقدمه‌ای قطعی برای جنگ تلقی کرد. تجربه سیاست بین‌الملل نشان می‌دهد روایت‌ها همواره جلوتر از واقعیت حرکت می‌کنند و اغلب، بیش از آنکه بازتاب رخدادها باشند، تلاشی برای شکل‌دهی به انتظارات هستند. از این رو، شاید دقیق‌ترین ارزیابی در شرایط کنونی، پذیرش همین اصل ساده اما بنیادین باشد که «توافق» زمانی قطعی است که عملا محقق شده باشد و «جنگ» فقط زمانی واقعیت می‌یابد که رخ داده باشد. تا پیش از آن، هر دو سناریو در سطح احتمال و روایت باقی می‌مانند؛ پررنگ، اثرگذار، اما همچنان نامطمئن؛ به‌ویژه که ما با فردی مانند دونالد ترامپ مواجهیم که عملا عنصر «پیش‌بینی‌ناپذیری» را به پررنگ‌ترین حالت ممکن نشان داده است.

بااین‌حال، رئیس‌جمهور آمریکا ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن) طی سخنرانی در نشست شورای صلح غزه، اظهار کرد: «گفت‌وگوهای خوبی با ایران دارد انجام می‌شود. ویتکاف و کوشنر با ایرانی‌ها جلسات بسیار خوبی داشتند». او مدعی شد: «ما باید به یک توافق معنی‌دار برسیم، وگرنه اتفاقات بدی رخ خواهد داد. لذا ایالات متحده به هر طریقی که شده به یک توافق دست خواهد یافت». ترامپ در بخش مهمی از سخنانش تأکید کرد: «احتمالا در ۱۰ روز آینده معلوم خواهد شد می‌توانیم با ایران به توافق برسیم یا خیر». او اضافه کرد: «ویتکاف و کوشنر از رابطه خوبی با نمایندگان ایران برخوردار هستند». رئیس‌جمهور آمریکا شامگاه چهارشنبه نیز با انتشار پستی در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال ادعا کرد: «اگر ایران توافق نکند، ایالات متحده شاید مجبور شود از دیه‌گو گارسیا و فرودگاه فیرفورد برای جلوگیری از حمله احتمالی ایران، احتمالا علیه بریتانیا و سایر کشورهای دوست، استفاده کند». در همین حال، کارولین لویت، سخنگوی کاخ سفید نیز مدعی شد: «در گفت‌وگوها با ایران اندکی پیشرفت حاصل شده است، اما همچنان تا دستیابی به توافق بسیار فاصله داریم. لذا انتظار می‌رود ایرانی‌ها طی دو هفته آینده با جزئیات بیشتری به ما بازگردند». به گفته سخنگوی کاخ سفید: «ما به نیابت از ترامپ برای تهران ضرب‌الاجل تعیین نخواهیم کرد».

عراقچی: پیش‌نویس توافق ظرف دو تا سه روز آماده و پس از تأیید نهایی، تحویل داده می‌شود

به موازات لفاظی‌های متناقض ترامپ که بین جنگ و توافق در نوسان است، سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، در گفت‌وگو با برنامه Morning Joe شبکه MS NOW درباره وضعیت مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا توضیح داد: «در ژنو، مقامات از ایران خواسته‌اند پیش‌نویسی از یک توافق احتمالی تهیه کند تا در دیدار بعدی درباره آن پیش‌نویس گفت‌وگو و مذاکره درباره متن آن را آغاز کنند». وزیر خارجه تأکید کرد: «این مسیر طبیعی مذاکرات بین‌المللی و هدف رسیدن به توافقی عادلانه و منصفانه است».

عراقچی در پاسخ به شایعات درباره «غنی‌سازی صفر» هم گفت: «حدسیات اشتباه است و آمریکا هیچ درخواستی برای غنی‌سازی صفر از ما نکرده است». مسئول سیاست خارجی ایران افزود: «تمرکز ما بر تضمین صلح‌آمیزبودن برنامه هسته‌ای و اقدام‌های اعتمادساز فنی و سیاسی است که تضمین کند فعالیت‌های هسته‌ای صرفا برای اهداف صلح‌آمیز باقی بماند و در مقابل، تحریم‌ها لغو شود».

او به نقش سازنده رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، اشاره کرد و گفت: «از طریق ارائه پیشنهادهای فنی، راهکارهای اعتمادسازی در حال بررسی است و ایران تجربه سال ۲۰۱۵ را می‌تواند به شکل بهتر تکرار کند». عراقچی درباره جدول زمانی مذاکرات هم تأکید کرد: «هیچ ضرب‌الاجلی وجود ندارد و طرفین علاقه‌مند به توافق سریع هستند. هدف ما رسیدن به یک راه‌حل دیپلماتیک برد-برد است که منافع هر دو طرف را در بر گیرد». سکان‌دار دیپلماسی کشور در پایان اعلام کرد: «گام بعدی ایران ارائه پیش‌نویس توافق احتمالی ظرف دو تا سه روز آینده خواهد بود و پس از تأیید مقامات ارشد کشور، تحویل داده می‌شود تا کار روی متن آغاز شود. عراقچی ابراز امیدواری کرد راه‌حل دیپلماتیک می‌تواند در مدت کوتاهی حاصل و مانع از کشیده‌شدن دو کشور به مسیر جنگ شود».

می‌توان به دیپلماسی امید داشت؟

مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای میان ایران و ایالات متحده در ژنو با میانجیگری عمان، همچنان محور توجه رسانه‌ها و تحلیلگران بین‌الملل است. به گزارش منابع خبری ازجمله اکسیوس و العربیه، این گفت‌وگوها با فضایی نسبتا مثبت و سازنده برگزار شد و دو طرف توانستند بر «مجموعه‌ای از اصول راهنما» توافق کنند. عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، تصریح کرد این دور مذاکرات پیشرفت خوبی نسبت به دور نخست در عمان داشته و دو طرف موافقت کردند پیش‌نویس‌هایی برای یک توافق احتمالی تبادل کنند. بااین‌حال، او تأکید کرد رسیدن به توافق قریب‌الوقوع نیست و جزئیات زیادی همچنان نیازمند بحث و بررسی است.

از سوی دیگر، اکسیوس به نقل از منابع آمریکایی نیز پیشرفت مذاکرات را تأیید و اعلام کرد ایران طی دو هفته آینده پیشنهادهای دقیق‌تری برای پرکردن شکاف‌های باقی‌مانده ارائه خواهد کرد. به ادعای این رسانه، برخی منابع مطلع ایرانی فاش کردند تهران آمادگی دارد غنی‌سازی اورانیوم را به مدت سه تا پنج سال به حالت تعلیق درآورد و سپس به یک بلوک منطقه‌ای برای غنی‌سازی صلح‌آمیز بپیوندد. این پیشنهاد شامل کاهش سطح غلظت اورانیوم در داخل کشور با نظارت بازرسان بین‌المللی است، در ازای رفع تحریم‌های مالی و بانکی و لغو محدودیت صادرات نفت ایران. همچنین ایران به ارائه محرک‌های مالی و فرصت‌های سرمایه‌گذاری مشترک در حوزه نفت و انرژی اشاره کرده است.

گفتنی است الکسی لیخاچف، مدیرکل شرکت دولتی روس‌اتم روسیه نیز روز پنجشنبه گذشته خبر داد: «این شرکت از نظر فنی آماده انتقال اورانیوم غنی‌شده با غنای بالا از ایران است و تعیین معیارهای این فرایند به تهران بستگی دارد». در عین حال، منابع رسانه‌ای و تحلیلگران مانند دنیس سیترونوویچ، عضو اندیشکده شورای آتلانتیک نیز تأکید کرده‌اند گفت‌وگوهای جدی و محتوامحوری در ژنو شکل گرفته است، اما هنوز مشخص نیست توافقات اولیه بتواند اختلافات اساسی، ازجمله مسائل موشکی و پرونده هسته‌ای را به‌طور کامل حل کند. به نظر می‌رسد دورهای بعدی مذاکرات بیش از بحث‌های مفهومی، وارد مرحله نگارش و تدوین متون توافق شوند و تفاهم‌های اولیه به تعهدات مکتوب تبدیل شود.

به ادعای سیترونوویچ، میزان پیشرفت نهایی مذاکرات به‌طور مستقیم به تصمیمات سیاسی و راهبردی رئیس‌جمهور دونالد ترامپ وابسته است. با وجود خوش‌بینی محتاطانه طرف‌های ایرانی و عمانی، استمرار مذاکرات نیازمند همسویی این روند با محاسبات سیاسی واشنگتن است. بررسی روندها نشان می‌دهد هر دو طرف هزینه شکست مذاکرات را افزایش داده‌اند؛ ایالات متحده توانمندی‌های نظامی گسترده‌ای به منطقه اعزام کرده و ایران نیز رزمایش‌هایی با شبیه‌سازی بستن تنگه هرمز انجام داده است. پیام روشن این است که توقف یا فروپاشی مذاکرات می‌تواند احتمال تشدید گسترده‌تر تنش‌ها و اقدامات نظامی را به‌شدت افزایش دهد.

نکته مهم دیگر این است که دورهای پیشین مذاکرات نیز «جدی» توصیف شده بودند، اما با آغاز حملات اسرائیل و تأیید ایالات متحده، مسیر دیپلماسی عملا متوقف شد. بنابراین، هرگونه خوش‌بینی در این مرحله باید محتاطانه باشد و بر مبنای واقعیت‌های موجود و وابستگی مستقیم به تصمیمات رئیس‌جمهور آمریکا ارزیابی شود. در مجموع، مذاکرات ژنو نشانگر پیشرفت نسبی و ایجاد چارچوب اولیه برای توافق است، اما مسیر نهایی هنوز در ابهام و نیازمند تعامل‌های جدی و متقابل میان تهران و واشنگتن است.

البته براساس گزارش ای‌بی‌سی‌نیوز، ایالات متحده در حال بررسی لغو تحریم‌های مالی و بانکی ایران و پایان محدودیت فروش نفت است. مقام‌های ایرانی نیز پیش‌تر پیشنهادهایی درباره همکاری اقتصادی، سرمایه‌گذاری و تجارت مشترک در بخش انرژی ارائه کرده‌اند. لحن اخیر کاخ سفید نشان می‌دهد ابتکار عمل در اختیار تهران است و ایران باید ظرف ۱۴ روز طرحی ارائه دهد که دونالد ترامپ را متقاعد کند.

در مذاکرات غیرمستقیم هسته‌ای در ژنو و مسقط با میانجیگری عمان، ایران پیشنهاد توقف موقت غنی‌سازی اورانیوم برای سه تا پنج سال، کاهش سطح غلظت اورانیوم و فرصت‌های اقتصادی ازجمله خرید هواپیما از آمریکا در ازای رفع تحریم‌ها ارائه کرده است. مقامات آمریکایی پیشنهاد کرده‌اند مسائل موشکی و حمایت ایران از نیروهای نیابتی منطقه‌ای از مذاکرات جدا شود، اما نخست‌وزیر اسرائیل و وزیر خارجه آمریکا تأکید دارند توافق معنادار باید این موضوعات را نیز شامل شود.

ترامپ خط قرمز روشنی تعیین کرده که ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست یابد و ضمن بررسی گزینه‌های نظامی و دیپلماسی، ترجیح می‌دهد مسیر مذاکره را دنبال کند. مذاکرات با حمایت کشورهای عربی و ترکیه ادامه دارد و هدف تغییر حکومت ایران نیست. با وجود حضور حدود ۴۰ هزار نیروی آمریکایی در منطقه، هر اقدام نظامی خطر تلافی‌جویی ایران را افزایش می‌دهد و مسیر دیپلماسی به‌شدت به محاسبات واشنگتن و اورشلیم وابسته است.

سایه هشدار بر سر دیپلماسی

در کنار روایت‌های خوش‌بینانه، برخی رسانه‌ها از سنگینی سایه هشدار تنش بر سر مذاکرات گفته‌اند. کمااینکه به نوشته فایننشال‌تایمز فضای مذاکرات هسته‌ای میان ایران و آمریکا تحت فشار شدید نظامی و سیاسی قرار دارد. افزایش حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه، ازجمله دو ناو هواپیمابر و ده‌ها جنگنده پیشرفته ازجمله اف-۳۵ و لحن پرتنش کاخ سفید، دستیابی به توافقی را که هم ایران و هم واشنگتن بتوانند آن را حفظ کنند، دشوار کرده است. ایران و آمریکا هفته گذشته دور دوم مذاکرات غیرمستقیم خود را در ژنو برگزار کردند و ایران از «پیشرفت خوب» خبر داد، اما اظهارات جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا، درباره نپذیرفتن «خطوط قرمز» ترامپ نشان‌دهنده تردیدهای واشنگتن است.

به ادعای این رسانه‌ها، مسئله اصلی مذاکرات، غنی‌سازی اورانیوم است؛ ترامپ خواهان توقف دائمی آن است، درحالی‌که ایران بر حق خود تاکید دارد. گزینه‌ای که در حال بررسی است، تعلیق موقت فعالیت‌های غنی‌سازی همراه با نظارت بین‌المللی و تثبیت وضعیت موجود است. سابقه برجام و خروج آمریکا در ۲۰۱۸ و حملات به تأسیسات هسته‌ای ایران، به اعتماد میان طرفین به‌شدت آسیب زده است. ایران همچنین خواستار تضمین‌های اقتصادی و آزادسازی دارایی‌های بلوکه‌شده است. تحلیلگران هشدار می‌دهند شدت تهدیدها و تحرکات نظامی آمریکا می‌تواند شتابی ایجاد کند که کنترل آن دشوار باشد و خطر درگیری منطقه‌ای را افزایش دهد. دستیابی به توافق جامع نیازمند زمان و تخصص فنی است و هر اشتباه محاسباتی می‌تواند بحران را از کنترل خارج کند.

البته نشریه المانیتور بعید می‌داند ترامپ توافقی محدود را بپذیرد، چراکه او پیش‌تر برجام اوباما را ناقص دانسته و خروج آمریکا را توجیه کرده بود. اکونومیست نیز هشدار می‌دهد «شمشیرکشی و لاف‌زنی» اگرچه کارکرد بازدارنده دارد، اما افراط در آن نتیجه معکوس خواهد داشت. دونالد ترامپ بزرگ‌ترین تجمع نظامی آمریکا در خاورمیانه طی دو دهه اخیر را دستور داده، اما تردیدهای او درباره آغاز حمله پرریسک آشکار است.

خاویر بلس، تحلیلگر ارشد حوزه انرژی، نیز در بلومبرگ یادآوری می‌کند تجربه گذشته تضمینی برای آینده نیست و هرگونه حمله به ایران هزینه سنگینی برای بازار انرژی و امنیت جهانی خواهد داشت. او تأکید دارد بازار نفت امروز تاب‌آوری بیشتری دارد، اما ظرفیت واکنش ایران و اثرات احتمالی هر حمله نباید دست‌کم گرفته شود. ایران با تولید حدود پنج میلیون بشکه در روز و توان مداخله نظامی، می‌تواند بخشی از پاسخ خود را نشان دهد و هر محاسبه اشتباه می‌تواند بهای سنگینی داشته باشد.

توماس فریدمن، ستون‌نویس نیویورک‌تایمز، نیز هشدار می‌دهد تهدید واقعی برای اسرائیل فقط ایران نیست؛ بزرگ‌ترین تهدید، سیاست‌های داخلی دولت نتانیاهو، تلاش برای الحاق کرانه باختری و کاهش حقوق فلسطینیان است. او تأکید دارد تمرکز صرف بر تهدید ایران، نادیده‌گرفتن تهدید داخلی اسرائیل و پیامدهای آن برای امنیت یهودیان جهان است. ایران تهدیدی واقعی است، اما مشکل اصلی اسرائیل و روابط آمریکا با خاورمیانه، سیاست‌های افراطی و آپارتایدگونه دولت نتانیاهو است.

گزینه جنگ؛ خیلی دور، خیلی نزدیک

اگرچه گزینه جنگ علیه ایران جدی‌تر از گذشته است، اما موانع قانونی و سیاسی مانع اقدامات فوری شده‌اند. رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه، اعلام کرد آنکارا با هرگونه مداخله نظامی علیه ایران مخالف است و جنگ جدید ثبات منطقه را تهدید می‌کند. هم‌زمان، روکانا، عضو کنگره آمریکا، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت هفته آینده درباره حمله نظامی به ایران رأی‌گیری می‌شود و بدون مجوز کنگره، ترامپ نمی‌تواند اقدامی انجام دهد. قانون اختیارات جنگ آمریکا مشخص می‌کند جنگ پرهزینه نیازمند تصویب کنگره است. دوایت ایوانس و سناتور الیزابت وارن نیز با تشدید تنش‌ها و جنگ مخالفت کردند و خواستار محدودکردن اختیارات ترامپ هستند. ترامپ با وجود بی‌تابی برای فشار بر ایران، تأکید کرده است از جنگ بی‌پایان دیگر در خاورمیانه حمایت نمی‌کند و قانون اساسی اجازه آغاز جنگ بدون تأیید کنگره را نمی‌دهد. این تضادها، احتمال رویارویی نظامی مستقیم را کاهش داده اما فشارها و تهدیدها ادامه دارد.

با وجود این مخالفت‌ها و هشدارها و هم‌زمان با ادامه تنش‌ها میان واشنگتن و تهران و انجام دور دوم مذاکرات هسته‌ای، شبکه سی‌بی‌اس به نقل از مقامات ارشد امنیت ملی آمریکا گزارش داد احتمال حمله نظامی این کشور به ایران از امروز شنبه وجود دارد. البته دونالد ترامپ تاکنون تصمیم نهایی را نگرفته و گزینه‌های موافق و مخالف استفاده از نیروی نظامی را با مشاوران و متحدانش بررسی می‌کند.

طبق گزارش سی‌ان‌ان، پنتاگون شروع به انتقال جنگنده‌ها و هواپیماهای سوخت‌رسان از پایگاه‌های انگلیس به نقاط نزدیک خاورمیانه کرده است. وال‌استریت ژورنال نیز نوشت آمریکا هم‌اکنون ۱۳ کشتی در خاورمیانه و شرق مدیترانه مستقر دارد و توانایی انجام عملیات هوایی مستمر علیه ایران برای هفته‌ها را دارد. به گزارش نیویورک‌تایمز، ناو هواپیمابر جرالد فورد ممکن است تا پایان هفته یا اوایل هفته آینده به مدیترانه برسد که مأموریت آن حفاظت از سرزمین‌های اشغالی خواهد بود، بنابراین این ناو در سواحل اسرائیل مستقر خواهد شد.

لازم به ذکر است یک مقام نظامی آمریکایی اعلام کرد نیروهای این کشور و متحدان می‌توانند در برابر هر واکنش احتمالی ایران محافظت شوند، اما موفقیت هرگونه عملیات برای تغییر در ایران تضمین‌شده نیست. این مجموعه گزارش‌ها نشان می‌دهد تنش میان دو کشور در بالاترین سطح قرار دارد و واشنگتن خود را برای احتمال عملیات نظامی مستقیم گسترده آماده کرده است. همچنین وبگاه المعلومه عراق خبر داد پنجشنبه گذشته، پایگاه آمریکایی الحریر در نزدیکی اربیل شاهد تدابیر امنیتی بی‌سابقه‌ای بود. هم‌زمان با ورود سومین کاروان نظامی سنگین از سوریه، بالگردها و پهپادها به طور گسترده بر فراز پایگاه پرواز کردند. این کاروان شامل ۲۵ تا ۳۰ کامیون نظامی بود که با یگان‌های حفاظتی همراهی می‌شدند. اقدامات امنیتی چند ساعت ادامه داشت و اهمیت بالای کاروان واردشده را نشان داد. ورود مکرر این کاروان‌ها طی فوریه، پرسش‌هایی درباره ماهیت تحرکات نظامی فزاینده در منطقه و اهداف آمریکا در شمال عراق ایجاد کرده است.

اما در یکی از مهم‌ترین گزارش‌های خبری، وال‌استریت ژورنال اطلاع داد دونالد ترامپ در حال بررسی یک حمله محدود اولیه علیه ایران است تا این کشور را به پذیرش خواسته‌های هسته‌ای او وادار کند. این اقدام به عنوان گام نخست برای تحت فشار قراردادن تهران طراحی شده و کوتاه‌تر از یک حمله تمام‌عیار است که می‌تواند واکنش گسترده‌ای برانگیزد. منابع آگاه می‌گویند در صورت صدور مجوز، این حمله ممکن است ظرف چند روز آینده چند سایت نظامی یا دولتی ایران را هدف گیرد و در صورت مقاومت تهران، آمریکا به کارزار گسترده‌تر روی خواهد آورد. این بررسی یادآور بحث حمله محدود به کره شمالی در ۲۰۱۸ است. واشنگتن‌پست هم به نقل از یک دیپلمات اروپایی با اشاره به گفته‌های مقامات سعودی و اماراتی نوشت: «برخی بازیگران ممکن است از حملات هدفمند برای افزایش فشار بر ایران حمایت کرده باشند. اما یک درگیری طولانی‌مدت می‌تواند کشورهای بیشتری را، چه عمدا و چه بر اثر خطای محاسباتی، وارد جنگ کند».

هشدار جدی تهران

در سایه این حجم بالا از تحرکات نظامی در اطراف ایران و احتمال قریب‌الوقوع‌بودن جنگ، امیرسعید ایروانی، نماینده کشورمان در سازمان ملل، طی نامه‌ای به دبیرکل این نهاد و ریاست شورای امنیت، درباره پیامدهای هرگونه اقدام نظامی آمریکا هشدار داد. او تأکید کرد در صورت حمله، تمام پایگاه‌ها، تأسیسات و دارایی‌های نیروهای متخاصم در منطقه، اهداف مشروع در چارچوب پاسخ دفاعی ایران خواهند بود و ایالات متحده مسئولیت مستقیم هرگونه پیامد پیش‌بینی‌ناپذیر را برعهده خواهد داشت.

نامه می‌افزاید ایران آغازگر هیچ جنگی نخواهد بود، اما در صورت تجاوز نظامی، واکنش قاطع و متناسب نشان خواهد داد. نماینده ایران با اشاره به اظهارات علنی دونالد ترامپ درباره استفاده از پایگاه دیه‌گو گارسیا برای حمله احتمالی، این اقدامات را نقض فاحش منشور ملل متحد و تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی توصیف کرد. او همچنین تأکید کرد جمهوری اسلامی ایران ضمن پیگیری گفت‌وگوهای هسته‌ای با حسن نیت و شفافیت، آماده ارائه پاسخ‌های مشروع به نگرانی‌های طرف مقابل است و دستیابی به راه‌حل پایدار و متوازن منوط به جدیت و احترام آمریکا به اصول منشور ملل متحد است.

نماینده ایران از شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل خواست با اعمال تمام اختیارات خود، ایالات متحده را از ادامه تهدیدات نظامی باز دارند و از هرگونه اقدامی که می‌تواند موجب تشدید تنش یا تقابل نظامی شود جلوگیری کنند. او هشدار داد اگر چنین رفتار غیرقانونی‌ای بی‌پاسخ بماند، خطر گسترش نُرم خطرناک در روابط بین‌الملل وجود دارد. در نهایت، نامه یادآوری می‌کند حق دفاع مشروع ایران در چارچوب ماده ۵۱ منشور ملل متحد، شامل تمامی دارایی‌ها و پایگاه‌های نیروهای متخاصم در منطقه خواهد بود.

قاسم محبعلی: در شرایط فعلی، ایران و منطقه باید برای خطر جنگ آماده باشند

قاسم محبعلی در گپ‌وگفتش با «شرق»، ذیل نگاهی بدبینانه نسبت به روند فعلی روابط ایران و آمریکا، خطر وقوع جنگ را جدی‌تر از ادامه مذاکرات و حصول توافق دانست؛ چراکه به تعبیر مدیر کل اسبق خاورمیانه وزارت خارجه: «آنچه در حال حاضر به شکل پررنگ مطرح است، ناظر به یک جنگ مقطعی و کوتاه‌مدت برای فشار بر تهران است. بنابراین من امیدواریم دیپلماسی و مذاکره ادامه پیدا کند، اما شرایط فعلی نشان می‌دهد رسیدن به توافق بسیار دشوار است».

سفیر پیشین ایران در یونان با اشاره به فشارهای ترامپ و ضرب‌الاجل‌ها و همچنین شروط تازه‌ای که رئیس‌جمهور آمریکا در شورای صلح غزه مطرح کرده است، افق توافق را بسیار مبهم می‌بیند و اذعان می‌کند: «با توجه به الزامات و محدودیت‌هایی که آمریکا برای ایران تعیین کرده، از جمله تأکید بر پیوستن تهران به طرح صلح ابراهیمی، مسیر دیپلماسی پیچیده‌تر و دشوارتر شده و به نظر نمی‌رسد طرفین بتوانند به‌راحتی به یک توافق دست یابند». تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی بر این هم تأکید کرد: «با توجه به تضاد منافع، اصرار بر مواضع سخت و سیاست‌های فشار حداکثری آمریکا، احتمال بروز درگیری نظامی کوتاه‌مدت یا حتی گسترده قابل توجه است و باید جدی گرفته شود». سفیر اسبق ایران در مالزی، نتیجه گرفت: «امید به دیپلماسی همچنان مهم است، اما در شرایط فعلی، ایران و منطقه باید برای خطر جنگ آماده باشند و نباید خوش‌بینی بی‌پایه‌ای نسبت به امکان توافق داشت».

احمد بخشایش‌اردستانی: ترامپ با نمایش جنگ به دنبال توافق است

احمد بخشایش‌اردستانی به عنوان دیگر کارشناس در گفت‌وگو با «شرق» نگاه بدبینانه محبعلی را رد کرده و تأکید می‌کند: «فرجه ۱۰روزه دونالد ترامپ و آخرین تحرکات نظامی آمریکا در منطقه علیه ایران به معنای وقوع جنگ نیست». نماینده مجلس دوازدهم با وجود تهدیدها و استقرار گسترده نیروهای آمریکایی، هنوز هم اعتقاد دارد: «هدف اصلی ترامپ با نمایش جنگی، دستیابی به توافق هسته‌ای با ایران است، نه شروع واقعی جنگ».

به زعم عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس: «ورود هواپیماهای اف-۲۲ و اف-۳۵ و تجهیزات سنگین به خلیج فارس و دریای عمان، بیشتر یک نمایش قدرت و فشار روانی است تا آماده‌سازی برای حمله. ترامپ تلاش می‌کند از این اهرم‌ها برای گرفتن امتیازات هسته‌ای از ایران استفاده کند و قصد دارد با مانور نظامی، انعطاف‌پذیری ایران را بسنجد».

این استاد دانشگاه توضیح داد: «با وجود این فشارها و تهدید به جنگ، ایران خطوط قرمز خود را رعایت و اعلام کرده مذاکره ادامه دارد و اصول راهنما مشخص شده است. ترامپ پس از مشاهده پاسخ محتاطانه ایران، تصمیم گرفته بخشی از نیروهای رزمی را در منطقه مستقر کند تا در طول این ۱۰ روز فشار لازم برای رسیدن به توافق اعمال شود».

این تحلیلگر تأکید دارد: «اگر ایران به امتیازات مورد نظر آمریکا پاسخ ندهد، ترامپ ممکن است گزینه حمله را بررسی کند، هرچند حمله مستقیم سودی برای او نخواهد داشت. در عوض، با حفظ فشار نظامی پشت دروازه‌های ایران، ترامپ از ابزار عملیات روانی استفاده می‌کند تا افکار عمومی داخل ایران بر حکومت فشار بیاورد و به‌نوعی مذاکرات را به نفع خود پیش ببرد». بخشایش‌اردستانی این نتیجه را از تحلیل‌های خود گرفت: «در مجموع، این تحرکات بیشتر به دیپلماسی فشاری شباهت دارد تا جنگ تمام‌عیار؛ بنابراین هنوز پنجره‌ای برای توافق و مذاکره باز است، هرچند خطر و تنش بالا باقی مانده است».

کوروش احمدی: خطر جنگ کوتاه‌مدت همچنان محتمل، اما مسیر دیپلماسی نیز همچنان باز است

کوروش احمدی، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره احتمال وقوع جنگ یا پیشرفت دیپلماتیک میان ایران و آمریکا نگاه محتاطانه‌ای دارد و در همین راستا توضیح داد: «ظاهرا با گذشت زمان بر حساسیت و پیچیدگی امر افزوده می‌شود. نامه تازه ایران به شورای امنیت و دبیر کل سازمان ملل و ضرب‌الاجل ۱۰ الی ۱۵روزه‌ای که ترامپ تعیین کرده، احتمال وقوع جنگ کوتاه‌مدت را داده، اما در عین حال مسیر دیپلماسی هنوز باز است و احتمال توافق در این مسیر اگر تا حدی کاهش یافته اما منتفی نیست». دیپلمات اسبق کشورمان در سازمان ملل افزود: «ایران در حال تهیه یک متن کتبی برای ارائه به آمریکاست که ظاهرا طی چند روز آینده تکمیل خواهد شد و محور اصلی آن قاعدتا باید برنامه غنی‌سازی باشد». تحلیلگر ارشد حوزه سیاست خارجی در ادامه تأکید کرد: «عنوان غنی‌سازی صفر که طی یک سال گذشته از سوی دولت ترامپ مطرح شده، تا حدودی ابهام دارد. چون این موضع کلی می‌تواند هم «تعلیق» و هم «توقف کامل» غنی‌سازی باشد و همین ابهام پنجره‌ای برای توافق کوتاه‌مدت یا میان‌مدت باز می‌کند». به باور احمدی: «ممکن است تعلیقی مشابه تعلیق غنی‌سازی در موافقت‌نامه سعدآباد سال ۱۳۸۲ مورد بحث باشد». دیپلمات پیشین ایران تصریح کرد: «اگر تهران غنی‌سازی را برای مدت مشخصی تعلیق کند، حق غنی‌سازی خود را حفظ می‌کند و در این صورت آمریکا نیز به شکل صریحی این حق را مورد خدشه قرار نداده است». احمدی همچنین به سایر خواسته‌های آمریکا در حوزه موشکی و منطقه‌ای اشاره کرد و گفت: «طرح این موضوعات ممکن است به عنوان یک تاکتیک یا حربه مذاکراتی با هدف چانه‌زنی باشد». احمدی این‌گونه بحث خود را جمع کرد: «اصل مسئله ترامپ غنی‌سازی است و اگر توافقی در این زمینه شکل بگیرد، او می‌تواند آن را به عنوان پیروزی در داخل آمریکا مطرح کند و در مقایسه با برجام آن را به عنوان دستاورد بزرگی به پایگاه رأی خود در داخل بفروشد و در این صورت ممکن است او از سایر موضوعات که تأکید چندانی نیز بر آنها نداشته، صرف‌نظر کند». به گفته دوباره احمدی: «مسیر دیپلماسی هنوز باز است و تصمیم نهایی به میزان انعطاف دو طرف در زمینه تعلیق غنی‌سازی بستگی دارد. البته نکته مهم این است که در ازای انعطاف ایران درمورد غنی‌سازی، آمریکا چه امتیازی خواهد داد. امتیاز قطعا باید در حوزه تحریم‌ها باشد. سؤال مهم این است که در ازای تعلیق احتمالی غنی‌سازی آیا امکان دارد که دولت ترامپ تحریم‌ها را در همان حد برجام تعدیل کند یا خیر. شاید اکنون گره‌گاه اصلی بحث همین باشد». البته در کنار این موضوع، بحث راستی‌آزمایی و همکاری ایران با آژانس هم از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

نوذر شفیعی: پیش‌بینی وقوع «جنگ» یا «مذاکره» کار دشواری است

نوذر شفیعی، دیگر تحلیلگری بود که در گفت‌وگوی خود با «شرق» درباره وضعیت کنونی تنش‌ها میان تهران و واشنگتن و ارزیابی وقوع «جنگ» یا «مذاکره»، ادبیات دست به عصایی دارد و به باور این مدرس دانشگاه: «پاسخ صریح به این سؤال که آیا ما به سمت جنگ می‌رویم یا مذاکره، واقعا دشوار است؛ چون عوامل متعددی تعیین‌کننده مسیر نهایی دو کشور هستند و هریک وزن و تأثیر خود را دارند».

نماینده ادوار مجلس توضیح داد: «برای آمریکا ورود به یک جنگ طولانی و پرهزینه با آینده نامعلوم، یک دیدگاه منفی دارد. حتی یک جنگ کوتاه‌مدت و شدید هم تضمین نمی‌کند اهداف آنها محقق شود؛ بنابراین اصولا آمریکایی‌ها از حرکت به سمت جنگ تمام‌عیار پرهیز می‌کنند». مفسر ارشد حوزه دیپلماسی ادامه داد: «در طرف ایرانی نیز جنگ به ضرر کشور خواهد بود و پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی به بار می‌آورد. از این منظر، تهران نیز تمایل چندانی به آغاز جنگ ندارد، بنابراین هر دو طرف در شرایط متعادل، مذاکره را ترجیح می‌دهند». این استاد روابط بین‌الملل در عین حال افزود: «آن چیزی که ممکن است مسیر را به سمت جنگ سوق دهد، ناکامی در دستیابی به راه‌حل‌های مورد قبول در مذاکرات است. آمریکایی‌ها انتظارات مشخصی دارند و هنوز مشخص نیست ایران تا چه حد بتواند به این انتظارات پاسخ دهد. پاسخ ایران تاکنون منفی بوده و تلاش کرده از روش‌های جایگزین برای کاهش فشار و جلوگیری از درگیری استفاده کند». شفیعی در مقام نتیجه‌گیری معترف است: «پیش‌بینی دقیق وقوع جنگ دشوار است، اما با توجه به تحرکات اخیر و فرجه ۱۰روزه ترامپ، شرایط فعلی به‌گونه‌ای است که هم امکان مذاکره و توافق وجود دارد و هم خطر جنگ کوتاه‌مدت، اگر راه‌حل‌های قابل قبول پیدا نشود».